به نام خدا

پرِفَکت هیستاری

(پنج قاره خویشاوند با هم)

انگلیسی، زبانی آریایی، میراثی ایرانی

نویسنده

دکتر سیدرضا نقبائی لنگرودی

انتشارت سخن گستر

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : پرفکت هیستاری/ نویسنده سیدرضا نقبائی‌لنگرودی.
مشخصات نشر : مشهد: سخن‌گستر، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۷۰ ص.: مصور (رنگی)؛ ۲۲×۲۹ س‌م.
شابک : 978-622-295-368-3
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : فارسی -- تاریخ
Persian Language -- History
فارسی -- ریشه‌شناسی
Persian Language -- Etymology
زبان -- منشاء
Language and Languages -- Origin
رده بندی کنگره : PIR۲۶۵۵
رده بندی دیویی : ۰/۹فا٤
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۲۸۹۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا
سرشناسه : نقبائی لنگرودی، سیدرضا، ۱۳۴۷ -
Naghbaei Langroudi, Seyyed Reza

پرفکت هیستاری
دکترسیدرضانقبائی‌لنگرودی

چاپ اول / ١٤٠٥
۱۰۰۰ جلد
چاپ دقت
۵۳۹ هزارتومان
شابک: ۳-۳٦۸-۲۹٥-٦۲۲-۹۷۸

ناشر: سخن گستر
مشهد- خیابان ابن سینا- بین ابن سینا ۱ و ۳- ساختمان اطبا /
تلفن: ٥٥ ۹۹ ٤۳ ۳۸ _ ۰٥۱

فهرست محتوا

سخن نویسنده 0

دیباچه 1

مقدمه 2

گونه های انسان 6

عصر یخبندان 8

عصر ناستراتیک 11

توفان نوح 13

تمدنهای بشری 16

تمدن آراتا 18

تمدن هلال حاصلخیز 21

تمدن بین النهرین 24

تمدن مصر باستان 26

تمدن سِند باستان 29

تمدن چین باستان 31

تمدن آند باستان 36

زبان 39

زبانهای انسانی 42

زبانهای سرزمین پارس 45

زبانهای آریایی 50

زبانهای سامی 61

زبانهای حامی 64

زبانهای یافِثی 68

آنچه در این کتاب خواهید یافت

- عصر یخبندان و نقش آن در ظهور فرهنگ و تمدن جدید بشری
- توفان نوح و نقش آن در ظهور فرهنگ و تمدن جدید بشری
- شکل گیری ایران بر اساس فرهنگ و تمدن آراتا
- ظهور فرهنگ و تمدن پارس در پی تمدن آراتا
- گمارش مفهوم ایران در امتداد آراتا و مفهوم پارس در امتداد پاره ها و پارتها
- شناخت مفهوم ایران و پارس و تفاوتهای موجود در این دو مفهوم
- فرهنگها و تمدنهای مختلف بشری و تکوین آنها از سرزمین آراتا
- فرهنگ و تمدن پارس به عنوان خاستگاه و بنیان تمامی تمدنهای بشری
- درهم تنیدگی نام هر فرهنگ و تمدن بشری با فرهنگ و تمدن سرزمین پارس
- مردمان پارس (جیرفت)، تدوین کنندگان اولین دبیره جهانی
- زبانهای سرزمین پارس و نقش آنها در شکل گیری زبانهای دیگر بشری
- شناخت زبانهای آریایی، زبانهای سامی، زبانهای حامی و زبانهای یافثی
- قیاس، تطبیق، تشریح و توصیف ویژگیهای مختلف تمدنهای بشری
- زبان، میراثی به جا مانده از فرهنگ و تمدن پارس
- انگلیسی، زبانی آریایی، میراثی ایرانی

توجه: پس از مطالعه کامل این کتاب، نوبت به سایر کتابهای این مجموعه از جمله کتاب دوم تحت عنوان "**فکت نومبر**" (**$FACT^{Number}$**) و کتاب سوم تحت عنوان "**فکت لتر**" (**$FACT^{Letter}$**) می رسد که در آن کتابها، علاوه بر مطالعه، امر یادگیری بیش از **سیصد واژه انگلیسی** برای "فکت نومبر" و بیش از **یک هزار واژه انگلیسی** برای "فکت لتر" در دستور کار قرار دارد. نکته قابل توجه در امر یادگیری واژگان این است که شما **احساس** می کنید انگار دارید **زبان پارسی می خوانید و پارسی یاد می گیرید، نه یک زبان خارجی یا زبان بیگانه را**، چرا که **زبان انگلیسی برآمده و برخاسته از سرزمین پارس** است.

سخن نویسنده

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، یعنی حدود ۹۰ سال قبل، نام **"پارس"** به **"ایران"** تبدیل شد. **"پارس"** به معنای **"سرزمین پاره ها"** است و در درون خود، اشاره به سرزمین بسیار پهناوری دارد که از گستردگی نژادی، قومیتی، فرهنگی، مدنی و زبانی برخوردار است، در حالیکه **"ایران"** به معنای **"سرزمین محل سکونت آریاییها"**، اگرچه با **آراتا** به عنوان اولین فرهنگ و تمدن بشری مرتبط است، ولی در درون خود، تنها به بخشی خاص از **پارس** که **آریا** باشد توجه می کند.

In **1934**, the name **Pars** became **Iran**
Pars means **The Land of the Parts & Portions**
Iran means **The Land Inhabited by the Aryans**

گستره **"پارس"**، از یک سو تا **مصر** و **گریس** (یونان) و از سوی دیگر تا **چین** می شود و **زبان فارسی**، به عنوان یک زبان میانجی، تنها در بخش مرکزی این سرزمین که امروزه از آن به عنوان ایران یاد می شود، مورد استفاده قرار می گرفت و جای پای زبانهای میانجی دیگر یعنی **زبان آرامی** در غرب سرزمین پارس و **زبان سوقدی** در شرق سرزمین پارس را هرگز نمی توان در واژه **"ایران"** دید.

The Persian territory extended from **Egypt** and **Greece** on one side to **China** on the other

Lingua Franca of this land included **Aramaic** in the west, **Fersian** in the center, and **Sogdian** in the east

با درود و سلام خدمت همه شما، **دکتر سید رضا نقبائی لنگرودی** هستم، **نشانه شناس، ریشه شناس، واژه شناس و محقق زبان** و در این سلسله برنامه ها که حاصل تلاش ۲۶ ساله شبانه روزی من است، زبانهای سرزمین پارس را به عنوان بنیان و ریشه تمامی زبانهای اصلی جهان برای شما به تصویر می کشم.



Dr. Seyed Reza Noghabaei Langroudi
Semiotician, Etymologist, Lexicographer & Language Researcher

دیباچه

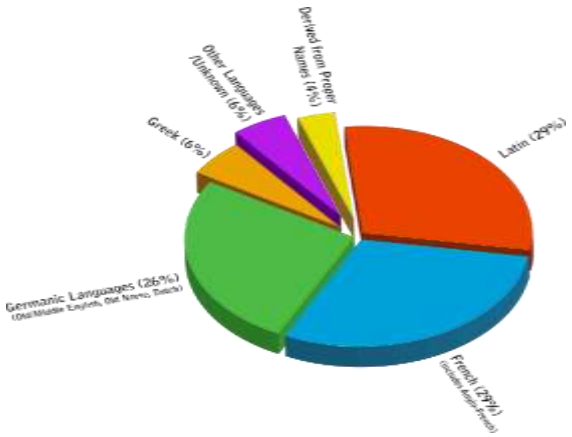
کتاب **PreFACT** حاوی **شش پارت** است که پس از تدوین و انتشار آن در سال ۱۴۰۳، تصمیم گرفته شد تا هر پارت به شکل یک کتاب مستقل بازتدوین و بازنشر شود و ماحصل پارت اول آن، کتاب حاضر تحت عنوان $\text{PreFACT}^{\text{History}}$ است.

در خصوص واژه ترکیبی **PreFACT** پیشتر گفته شد که بخش اول آن یعنی **Pre** برگرفته از **پارسی** **pre, pri** به معنای "گذشته، قبل، پیش، دور، جدا" است و می توان رد آنرا در واژه های فارسی مدرن "**پار، پاره، پریروز، پارسال، پیارسال**" دید که برای مطالعه بیشتر به مدخل **Pars** مراجعه شود و بخش دوم آن یعنی **FACT** سرواژه **Five Affinity Continents Together** (پنج قاره خویشاوند هم) است که می توان رد آنرا در واژه فارسی مدرن - faqt, $\text{faq}^{\text{a}}\text{t}$ - "فَقْت، فَقْط، تنها، محض، درست، دقیق، واقع" دید که برای مطالعه بیشتر به مدخل **do** در کتاب FACT^{1} مراجعه شود.

اصطلاح آریایی **history** برآمده از **لاتین** estōire, estōrie به معنای "داستان، روایت، سرگذشت، شرح، تاریخچه" (chronicle, history, story)، histōr به معنای "واقف، آگاه، مطلع، دانا، عارف" (knowing, wise, sage, learned) یا histōria به معنای "جستجو کردن، پژوهیدن، جویا شدن" (to research, inquire) و برگرفته از **اوستای** upastaoiti، **فارسی کهن** upastāvaka؛ **فارسی میانه** abestāg به معنای "ستایش، پرستش، نیایش - در اصل: نگاه خاص، ملاحظه خاص" یا **پارسی** āgāh (آگاه، بینا، مطلع، هشیار، دانشمند، حکیم، هوشنگ)، **Avesta** (اوستا، آویستا، ویستا، دانشمند، خردمند، آگاهی دهنده، حکیم، خردور، دانشور، صائب نظر)، āvid (آوید، دانش، خرد، دانایی)، āvide (آویده، دانا، خردمند، فهیم)، **āvistā** (آویستا، ویستا، اوستا، دانشمند، خردمند، آگاهی دهنده، حکیم، خردور، دانشور، صائب نظر)، dīdan (دیدن، سهیدن، نگاه کردن، مشاهده کردن)، **guvāh** (گواه، شاهد، ناظر، بیننده، دلیل، برهان، آشکار، بارز، بدیهی)، guyā (گویا، گویی، گوئیا، انگار، پنداری، شاید، ظاهراً)، **hādes** (حادث، اتفاق، پیشامد، واقع، وقوع)، hadis (حدیث، داستان، روایت، قصه، واقعه، رویداد، ماجرا)، hāide (هایده، آشکار، نمایان، هویدا)، **histār** (هیستار، ایستار، رویکرد، نگرش، نگاه، دیدگاه، نظرگاه، بینش، پندار، چشم انداز، دورنما - توجه: همانگونه که در بخش حرف E از کتاب $\text{PreFACT}^{\text{Letter}}$ ذکر شد حرف پارسی "**ه**" بصورت "**هِ**" {HE} تلفظ می شود که به مرور صدای "**ه**" درون آن حذف و آنچه باقی می ماند صدای "عِ" یا "اِ" است که بصورت نماد "E" نمایان می شود، لذا اصطلاح "ایستار" با "هیستار" یکی است)، **hošdār** (هُشدار، آگاهی، اخطار، آموزش، اخبار، اعلام)، huveidā (هویدا، ویدا، آشکار، پیدا)، idea (ایده، تصور، انگاره)، **istār** (ایستار، هیستار، رویکرد، نگرش، نگاه، دیدگاه، نظرگاه، بینش، پندار، چشم انداز، دورنما)، jastār (جَستار، جویش، پژوهش، کاوش، یوز، بررسی)، ostād (استاد، آموزگار، مدرس، مربی، معلم)، osture (اسطوره، داستان، افسانه)، padīd (پدید، پدیدار، آشکار، قابل رویت)، pažueš (پژوهش، جستجو، مطالعه)، peidā (پیدا، هویدا، ویدا، آشکار)، **sefid** (سفید، سپید، روشن - در اصل: دیده شده، پدیدار شده، پیدا شده)، stāieš (ستایش، تمجید، تحسین)، story (استوری، حکایت، داستان، روایت، قصه)، study (اِستادی، آموزش، بررسی، مطالعه، تحقیق)، **vāzeh** (واضح، آشکار، بدیهی، پیدا، روشن، علنی، مبرهن، مسلم، مشخص، معلوم)، **Vedā** (وِدا، معرفت، دانش، دانایی، آگاهی - مجموعه ای کهن از متون مقدس آیین هندو که شامل چهار کتاب از جمله "ریگودا یا نیایشها"، "یجورودا یا کتاب نیایش کنندگان"، "سامهودا یا کتاب سرودها" و "آتارواودا یا ودای اتهرونها" است)، viānā (کوردی - ویانا، فرزانگی، بخردی، دانایی)، vidā (ویدا، پیدا، هویدا، آشکار)، **vis, vīz** (خوانساری - ویس، ویز، یافتن، کشف کردن، سهیدن، دیدن) یا visit (ویزیت، دیدار، عیادت، ملاقات) است که برای مطالعه بیشتر به مدخل **video** در کتاب FACT^{1} مراجعه شود.

مقدمه

اگرچه **زبان انگلیسی** تاریخچه ای حدودا دو هزار ساله دارد و از منظر زبانشناختی زیرمجموعه "**زبانهای آنگلو-فریسی**" (Anglo-Frisian Languages)، "**زبانهای ژرمنی غربی**" (West Germanic Languages) از "**خانواده زبانهای آریایی**"[1] (Aryan Languages Family) محسوب می شود، ولی اجزای تشکیل دهنده آن یعنی "**لاتین**" (۵۸ درصد)، "**ژرمن**" (۲۶ درصد)، "**گریک**" (۶ درصد)، "**بروتنی**" (۴ درصد) و غیره (۶ درصد)[2] همگی جزو **زبانهای آریایی** و لاجرم **میراثی از پارس کهن** هستند.



نمودار دایره ای که خاستگاه و ریشه زبان انگلیسی را نشان می دهد

برای درک و استنباط درست و دقیق زبانهای آریایی باید فرهنگ و تمدن پارس را مورد بررسی قرار داد و در این میان گریزی نیست مگر اینکه "**گونه های انسان**"، "**عصر ناستراتیک**"، "**تمدنهای بشری**"، "**ابداع و اختراع عدد، حرف و خط**"، "**زرتشت**"، "**سرزمین پارس**" و "**زبانهای سرزمین پارس**" که شامل **زبانهای آریایی**، **زبانهای سامی**، **زبانهای حامی** و **زبانهای یافثی** می شود را مورد بررسی و شناخت قرار دهیم.



پروفسور **هارولد والتر بیلی** (Sir Harold Walter Bailey; 1899–1996)، خاورشناس و ایرانشناس نامدار بریتانیایی و استاد جامعه مطالعات شرق لندن (London School of Oriental Studies) در خصوص **جایگاه و نقش زبانهای پارسی در زبان انگلیسی** می گوید: "زبانهای آریایی (هندو-اروپایی) که در طی قرون مختلف، از چین - در دوره مغولان و در پکن، زبان

[1] Https://www.britannica.com/topic/English-language.
[2] Https//www.bunpeiris.orgceltic-and-the-history-of-the-english-language.

پارسی از سوی مغولان مکالمه می شده - گرفته تا جزایر ایرلند بدانها تکلم می شده، یک دانشجوی انگلیسی که زبان مادری او انگلیسی است و بخواهد زبان مادری خود را نیک و به درستی تحصیل کند، باید از **کتیبه های پارس باستان** اطلاعات بدست آورد".[۳]



هارولد والتر بیلی (خاورشناس و پارس شناس نامدار بریتانیایی و متخصص زبان خُتنی)

طی تحقیقی که در **مجله دانشگاهی داوری همتای "ساینس"** (Science peer-reviewed academic journal) منتشر شده، یک تیم بین المللی متشکل از بیش از ۸۰ متخصص زبان که گسترش واژگان اصلی را از ۱۶۱ زبان آریایی - از جمله ۵۲ زبان باستانی یا تاریخی مانند لاتین و ودایی تجزیه و تحلیل کردند - دریافتند که نیای آریایی حدود هشت هزار سال قدمت دارد و هفت شاخه اصلی آن در حدود هفت هزار سال پیش از هم جدا شدند. پیشگامی این تیم را زیست شناس و روانشناس نیوزیلندی **پروفسور روسِل دیوید گری** (Professor Russell David Gray) برعهده دارد که روی کاربرد شیوه های کمی در مطالعه تکامل فرهنگی و پیش تاریخ بشر و همچنین تکامل خانواده زبانهای آریایی (هندواروپایی) با استفاده از متدهای تبارزایی رایانشی (computational phylogenetic methods) کار می کند. او یافته های این تحقیق را برآمده از دویست سال بحث و جدل راجع به زمان و مکان زبانهای آریایی (هندواروپایی) برمی شمرد. او سرانجام می افزاید: راه حل رمز و راز دویست ساله زبانهای آریایی در ترکیب نظریه های آناتولی و سبزدشت پونتی خزری نهفته است". ریشه های زبان انگلیسی می تواند به کشاورزان ماقبل تاریخ در منطقه قفقاز جنوبی توریکه شرقی و ایران شمال غربی برگردد.[۴]



تحقیقات جدید دانشگاه اوکلند چگونگی گسترش زبانهای آریایی را نشان می دهند[۵]

---

[۳] میراث ایران، سیزده تن از خاورشناسان؛ زیرنظر ا.ج.آربری؛ احمد بیرشک، بهاء الدین یازارگاد، عزیزاله حاتمی، محمد سعیدی، عیسی صدیق، محمد معین؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۳۶.

[4] Https://www.auckland.ac.nz/en/news/2023/07/28/english-language-traced.html.

[۵] این تحقیق که در مجله ساینس منتشر شده، ممکن است منجر به ارزیابی مجدد دو نظریه ای شود که قبلاً غالب بودند: ۱) فرضیه "استپ" منشا این زبان را در حدود شش هزار سال پیش در **"استپ پونتیک-کاسپین"** – منطقه‌ای که از بلغارستان، رومانی، مولداوی، اوکراین، روسیه و قزاقستان امروزی شامل می شود – نشان می‌دهد و ۲) فرضیه **"آناتولیایی"** منشا آنرا در هشت هزار تا نه هزار سال پیش و مناطق غربی پارس کهن در نظر گرفته است. تحقیقات جدید حاکی از آن است که زبانهای آریایی (هندواروپایی) در اطراف آناتولی که در گذشته بخشی از پارس کهن بوده شروع و به سمت شمال به سمت استپ حرکت کرده‌اند و به عنوان موطن زبانهایی بود که در نهایت وارد اروپا شدند. پروفسور "راسل دیوید گری" (Russell David Gray) یکی از نویسندگان اصلی این مطالعه و استاد دانشگاه اوکلند در این باره می گوید: "حل معمای دویست ساله زبان هندواروپایی در ترکیبی از فرضیه های آناتولیایی و استپی نهفته است".

گستره "**پارس**"، از یک سو تا **مصر** و **گریس** (یونان) و از سوی دیگر تا **چین** می شود و **زبان فارسی**، به عنوان یک زبان میانجی، تنها در بخش مرکزی این سرزمین که امروزه از آن به عنوان ایران یاد می شود، مورد استفاده قرار می گرفت و جای پای زبانهای میانجی دیگر یعنی **زبان آرامی** در غرب سرزمین پارس و **زبان سوقدی** در شرق سرزمین پارس را هرگز نمی توان در واژه "**ایران**" دید.



فرای آن، با مطالعه موارد بالا متوجه خواهیم شد که آذریها، قشقاییها، هیتیها، تُخاریها، خُتنیها و سایر اقوام آریایی و پارسی نقش بسیار گسترده ای در ایجاد سرزمین "آناتولی، عثمانی و تورکیه کنونی" دارند، چرا که تورکها خود مهاجران "**آلتایی**" برآمده از سرزمین "چین" محسوب می شوند که در ظاهر گمان می رود هیچ رابطه قومیتی و زبانی با آریا و پارس ندارند، ولی این اقوام پارسی بودند که با مهاجرت به تورکستان شرقی چین، اولا فرهنگ و تمدن خود را در این سرزمین جاری کردند و پس از آن، با مهاجرت تورکها به آناتولی و پس از آن به قسمتهای شرقی اروپا - به همراه سایر آریاییها و پارسیان مهاجر - در تحول و تطور فرهنگی و تمدنی آنها نقش اصولی و اساسی را بازی کردند.

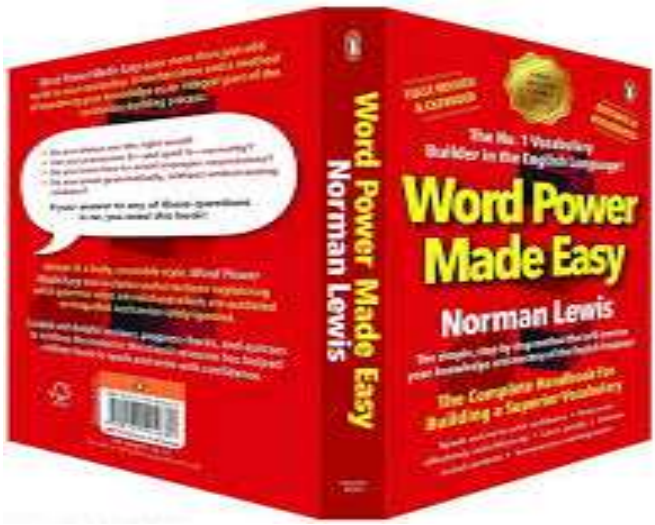


پس از بررسی، مطالعه و شناخت این آیتمها و متغیرها در یک بازه زمانی ۲۶ ساله و نگارش کتابهای گوناگون - از جمله مجموعه کتابهای **FACT** یا "**پنج قاره خویشاوند باهم**" (Five Affinity Continents Together) - امر نتیجه گیری محقق می شود؛ کتابهایی که در آنها خواهیم دید تمامی واژگان انگلیسی ریشه آریایی، ایرانی و پارسی دارند و با شناخت ریشه است که گستره معنایی و مفهومی هر واژه انگلیسی، با ذکر مثال، برای مخاطبان نمایان و عرضه می شود.



طرح روی جلد کتاب "فَکت۱" نوشته دکتر سیدرضا نقبائی لنگرودی

و در انتها نیز، با این گفته **نورمن لِویس** (Norman Lewis; 1912-2006) در مقدمه اثر معروف خود با نام "**قدرت لغت آسان شد**" (Word Power Made Easy) که از روانشناسی زبان (Psycholinguistics) سخن می گوید روبرو می شویم: "یک فرد بالغ با قدرت هوش و ذکاوت بالا تنها قادر است در یک سال حداکثر ۵۰ واژه بیگانه را به خوبی یاد بگیرد"[۶] و با پاسخ آن نیز روبرو می شویم که بله این مهم در خصوص زبانهای بیگانه صادق است، ولی زبان انگلیسی زبانی بیگانه برای ایرانیان و آریاییها نیست، بلکه زبانی برآمده از "**پارس کهن**" است که اگر بتوان بر ریشه آن تسلط یافت هیچوقت فراموش نخواهد شد - امری که می تواند تنها برای غیرآریاییها صادق باشد نه ایرانیها و آریاییهای جهان.



طرح روی جلد کتاب "قدرت لغت آسان شد" اثر نورمن لِویس

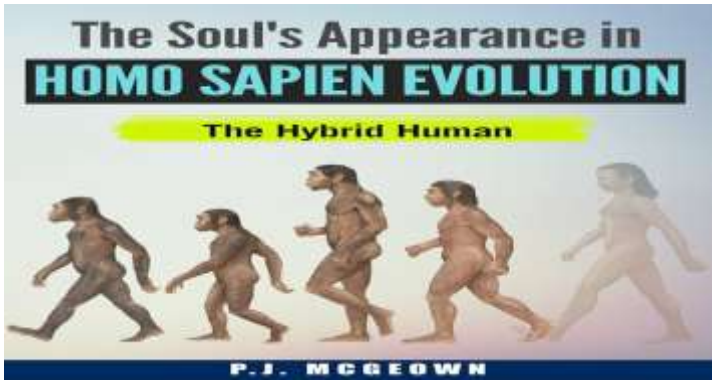
[6] Lewis, Norman; Word Power Made Easy, a vocabulary builder published in 1949, and Roget's New Pocket Thesaurus in Dictionary Form, published in 1961.

گونه های انسان

انسان نسل هایدلبرگی (Homo heidelbergensis) گونه‌ای از سرده انسان بود که در آفریقا تکامل یافت و احتمالاً این گونه نیای انسان خردمند (Homosapiens) در آفریقا و انسان ساکن دره نئاندر یا نئاندرتال (Neanderthals) در اروپا بوده است. به عقیده پروفسور بریتانیایی **استیون میتِن** (Steven Mithen; born 16 October 1960)، انسان هایدلبرگی همانند اجدادش از نوعی "**سیستم ارتباطی پیش زبانی**" (pre-language Communicative System) بهره می‌برد.[۷]



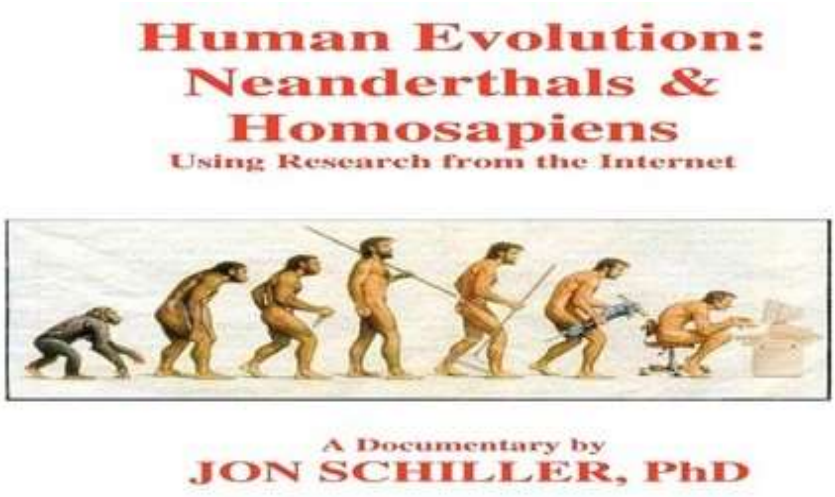
تصور می‌شود انسان هایدلبرگی که به عنوان اولین جد انسان مدرن بشمار می رود **کیسه های هوا** (airbag) نداشت؛ کیسه‌هایی که در مجرای حنجره ای (laryngeal canal) قرار دارند، نقش اساسی در تلفظ صوتی آوایی ایفا می کنند و وجود این کیسه‌ها می تواند به توانایی فزاینده بشر در بسط و توسعه زبان صوتی کلامی کمک نموده باشد.[۸]



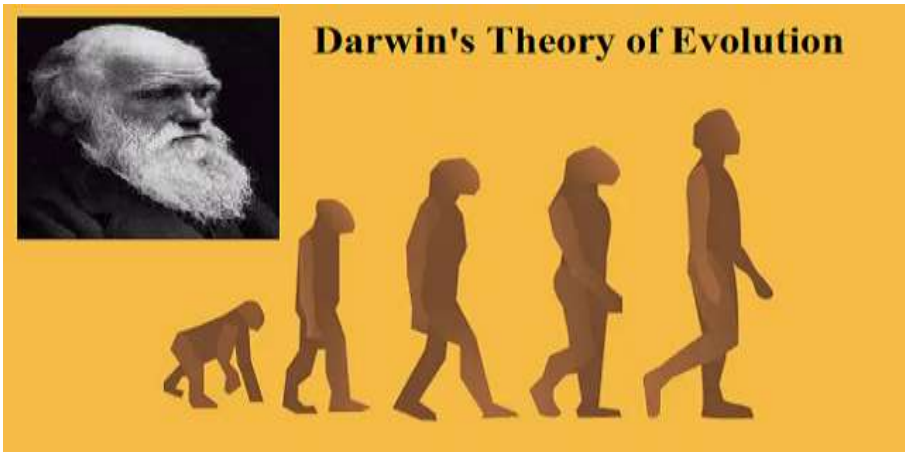
انسان نئاندرتال یک گونه یا زیرگونه منقرض شده از انسانهای باستانی است که تا حدود ۴۰ هزار سال پیش در اوراسیا (Eurasia) زندگی می‌کردند. در حالیکه علت انقراض آنها "بسیار مورد بحث" است، از سوی برخی از محققان، عوامل جمعیت

[7] Martínez, I.; Rosa, M.; Quam, R.; Jarabo, P.; Lorenzo, C.; Bonmatí, A.; Gómez-Olivencia, A.; Gracia, A.; Arsuaga, J.L. (2013-05-08). "Communicative capacities in Middle Pleistocene humans from the Sierra de Atapuerca in Spain". Quaternary International. 295: 94–101. ISSN 1040-6182.
[8] As above.

شناختی مانند اندازه کوچک جمعیت، همخونی و نوسانات تصادفی عوامل محتمل در نظر گرفته می‌شوند و برخی دیگر نیز جایگزینی رقابتی، جذب در ژنوم انسان مدرن، تغییرات بزرگ آب و هوایی، بیماری، یا ترکیبی از این عوامل را علت انقراض این گونه برشمردند.[۹]



انسان خردمند یا انسان نوین (Homosapiens) نام یک گونه از سرده انسان است که بر اساس **نظریه فرگشت** (evolution)، نمونه‌ای فرگشت‌یافته از انسان راست قامت (Homoerectus) که از قدرت "سیستم ارتباطی زبانی" برخوردار است. انسان خردمند به چهار زیرگونه **انسان خردمند هوشمند** (Intellectual Homosapiens)، **انسان خردمند تاسمانیایی** (Tasmanian Homosapiens)، **انسان خردمند ایدالتو** (Idaltu Homosapiens) و **انسان خردمند باستانی** (Archaic Human) طبقه‌بندی می‌شوند که سه دسته آخر منقرض گردیده‌اند. بطور معمول، دو نظریه در خصوص **ریشه انسان خردمند** وجود دارد: **منشا آفریقایی انسان مدرن** (African origin of modern humans) **و فرضیه چندناحیه ای بودن** (multiregional hypothesis) آن که با ظهور تحقیقات ژنتیکی از سال ۲۰۱۰ میلادی، بیشتر کشفیات نشان‌دهنده **منشأ آفریقایی بودن انسان مدرن** است.[۱۰]

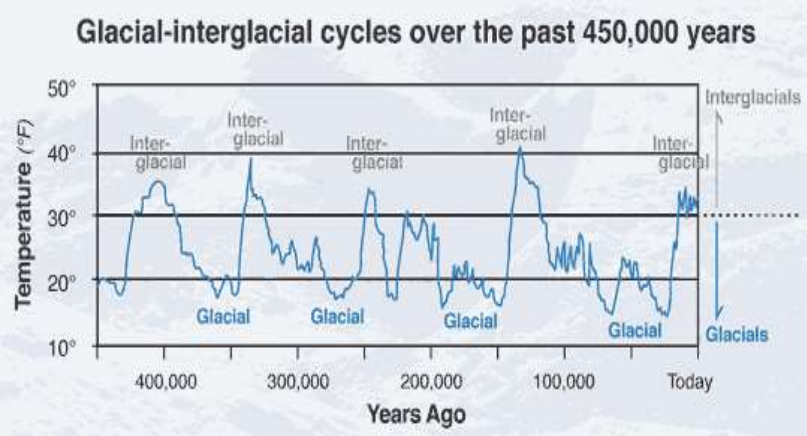


[9] Black, B. A.; Neely, R. R.; Manga, M. (2015). "Campanian Ignimbrite volcanism, climate, and the final decline of the Neanderthals" (PDF). Geology. 43 (5): 411–414. Bibcode:2015Geo....43.411B. doi:10.1130/G36514.1. OSTI 1512181. S2CID 128647846.

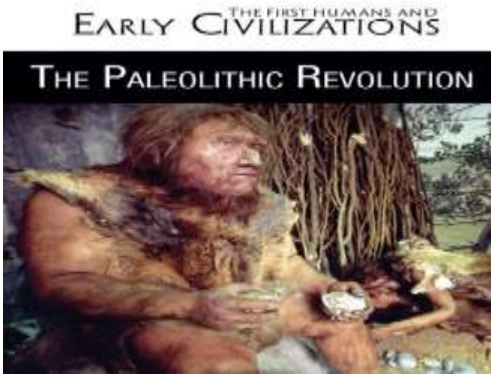
[10] Hua Liu, et al. A Geographically Explicit Genetic Model of Worldwide Human-Settlement History. The American Journal of Human Genetics, volume 79 (2006), pp. 230–237, quote: Currently available genetic and archaeological evidence is generally interpreted as supportive of a recent single origin of modern humans in East Africa. However, this is where the near consensus on human settlement history ends, and considerable uncertainty clouds any more detailed aspect of human colonization history.

عصر یخبندان

آخرین عصر یخبندان (Last Glacial Period) از پایان دوره میان‌یخبندان (Last Interglacial) - حدود ۱۱۵ هزار سال قبل - تا آغاز دوره **هولوسِن** (Holocene) - حدود ۱۲ سال قبل - رخ می دهد؛ دوره ای که با فاصله زمانی **پلیستوسن پسین** (Late Pleistocene) مرتبط است.[11]

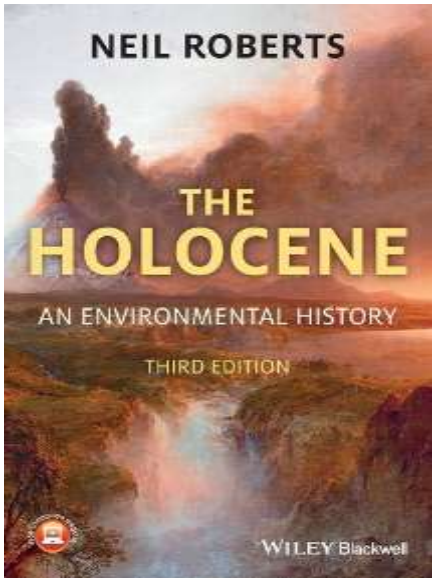


از دید باستان‌شناسی انسانی، آخرین عصر یخبندان در دوره پارینه سنگی (Paleolithic) و اوایل میان سنگی (Mesolithic) روی می‌دهد؛ هنگامی که رویدادهای یخبندانی آغاز می‌شود، انسان خردمند در عرضهای جغرافیایی پایین‌تر محاصره می‌شود. داده‌های ژنتیکی و باستان شناسی نشان می دهند که انسانهای پارینه‌سنگی، برای چیرگی بر عصر یخبندان، به سرزمینهایی رفتند که درختهای با فاصله از هم داشتند و در جاهایی توزیع شدند که نور و مواد اولیه لازم برای فتوسنتز وجود داشت و از ورود به جنگلهای انبوه خودداری کردند.[12]



[11] Corrick, Ellen; et al. (August 21, 2020); "Synchronous timing of abrupt climate changes during the last glacial period"; Science. 369 (6506): 963–969.
[12] Gavashelishvili, A.; Tarkhnishvili, D. (2016); "Biomes and human distribution during the last ice age"; Global Ecology and Biogeography. 25: 563–574; doi:10.1111/geb.12437.

هولوسن نام آخرین دوره زمین‌شناسیِ که در پایان پلیستوسن یعنی حدود ۱۲ هزار سال قبل شروع شد و همچنان تا به امروز ادامه دارد؛ یعنی در پی آخرین عصر یخبندان که منجر به **عقب‌نشینی یخبندان هولوسن** (Holocene glacial retreat) می شود، می آید.[۱۳]



این دوره پس از تغییرات نور خورشید دریافتی زمین که با آب شدن لایه‌های یخ در نیمکره شمالی همراه بود، آغاز شد. دانشمندان معتقدند آب و هوای معتدل دوره هولوسن شرایط لازم برای ظهور تمدن بشری و حفظ روند پایدار آنرا موجب شد که از آن جمله می‌توان به فراهم شدن شرایط برای افزایش تولید مواد غذایی اشاره کرد.[۱۴]



[13] Walker, Mike; Johnsen, Sigfus; Rasmussen, Sune Olander; Popp, Trevor; Steffensen, Jorgen-Peder; Gibrard, Phil; Hoek, Wim; Lowe, John; Andrews, John; Bjo Rck, Svante; Cwynar, Les C.; Hughen, Konrad; Kersahw, Peter; Kromer, Bernd; Litt, Thomas; Lowe, David J.; Nakagawa, Takeshi; Newnham, Rewi; Schwander, Jakob (2009). "Formal definition & dating of the GSSP (Global Stratotype Section & Point) for the base of the Holocene using the Greenland NGPIR ice core, and selected auxiliary records". Journal of Quaternary Science. 24 (1): 3–17. Bibcode: 2009JQS….24….3W. doi:10.1002/jqs.1227.

[14] https://www.asriran.com/fa/news/261739/

در عصر یخبندان، کوهستانهای پارس (ایران کنونی، تورکیه کنونی و مناطق شرقی قفقاز) تنها پوشیده از میدانهای یخچالی محلی و صفحه‌های یخی بسیار کوچک بود.[۱۵]



بین سالهای ۱۵ هزار تا ۱۲ هزار پیش و در دوره "فراپارینه سنگی" (Epipaleolithic) - حدود ۲۰ هزار قبل تا ۱۰هزار سال قبل - و در پایان "آخرین عصر یخبندان" (Last Glacial Period) بود که در "هلال حاصلخیز" (Fertile Crescent) از کلان‌خانواده زبان نیای ناستراتیک استفاده می‌شده است؛ "فراپارینه سنگی" در پایان آخرین عصر یخبندان و پیش از آغاز دوره نوسنگی (Neolithic) پدید آمد.[۱۶]



[15] Williams, Jr., Richard S.; Ferrigno, Jane G. (1991); "Glaciers of the Middle East & Africa-Glaciers of Turkey" (PDF 2.5 Mb). U.S. Geological Survey Professional Paper 1386-G-1. Ferrigno, Jane G. (1991); "Glaciers of the Middle East & Africa-Glaciers of Iran" (PDF 1.25 Mb). U.S. Geological Survey Professional Paper 1386-G-2.

[16] Pedersen as cited by Ruhlen, 1991: 384.